

خبر

دارا حیایی:

پدرم تا کی می‌تواند نقش یک پسر جوان را بازی کند؟

دارا حیایی که این روزها در برنامه «شب‌های مافیا» در شبکه نمایش خانگی دیده می‌شود، درباره تفاوت کار در تلویزیون با شبکه نمایش خانگی، کار در تلویزیون را دشوارتر می‌داند. دارا حیایی درباره همکاری‌اش با برنامه «شب‌های مافیا» به ایسنا می‌گوید: در سال‌های گذشته بازی مافیا به یک سرگرمی جدی برای خیلی از جوان‌ها تبدیل شده. ما هم در دوره‌ای با دوستانمان مافیا بازی می‌کردیم. بعد دیدیم که برنامه «شب‌های مافیا» تولید شد و خب برای من، تولید چنین گیم شویی جالب بود. من اولین بار در «پدرخوانده»، مافیا را جلوی دوربین بازی کردم اما سناریوی بازی را خیلی دوست نداشتم تا با سناریوی «زودیاک» آشنا شدم. زودیاک، نقش‌های متفاوتی دارد که برای بازی هر کدام، استراتژی‌های مختلفی می‌توان داشت و ذهن بازیکن را بسیار درگیر می‌کند.

حیایی در پاسخ به اینکه برخی معتقدند حضور در شوهای مختلف بر پیشنهادات کاری بازیگر تاثیر منفی می‌گذارد، با مخالفتی برای حضور در این برنامه مواجه نشدید؟ اظهار می‌کند: مگر برنامه موفق «جوکر» یک رئالیته‌شو نبود؟ امین حیایی در جوکر حضور داشت یا نه؟ بازیگرهای بزرگ و بازیگران ایرانی، تام کروز، تام هاردی و خیلی چهره‌های محبوب دنیا در تمام این سال‌ها در رئالیته‌شوهای مختلفی شرکت کرده‌اند که اتفاقاً برای مخاطبانشان هم بسیار جذاب بوده. از نظر من این تفاوت حضور بازیگر در فیلم و سریال با شوهای مختلف باعث جذابیت بیشتر و همراهی بهتر مخاطبان با هنرمندان می‌شود.

او درباره تفاوت کار در تلویزیون و شبکه نمایش خانگی می‌گوید: کار در تلویزیون برای بازیگر آسانتر است. چراکه بازیگر، آزادی زیادی ندارد که بتواند راحت کار کند. من نزدیک به چهار سال در تلویزیون تجربه کار داشتم که نسبت به بقیه همکارانم سن زیادی نیست، اما در هر حال، تجربه است. تا جایی که من تجربه کرده‌ام، تلویزیون سخت‌تر است چراکه دایره تحرک بازیگر، محدودتر است. برای بازیگران خانم که محدودیت بیشتری هم وجود دارد.

او درباره معرفی چهره‌های جدید و جوان به عرصه بازیگری و در پاسخ به اینکه آیا ظرفیت کاری برای این چهره‌ها وجود دارد یا بی‌چونان پُرانگیزه بعد از مدتی کم کار یا این می‌شوند؟ بیان کرد: خدا را شکر که فضای ورود چهره‌های جدید، هموارتر شده است. فیلمسازان ما باید به جوان‌ها میدان بدهند و به آن‌ها اعتماد کنند. اگر نسل ما وارد این عرصه نشود، چه کسی می‌خواهد نقش‌های سنین ما را بازی کند؟ پدر من تا کی می‌تواند نقش یک پسر جوان را بازی کند؟

از طرفی دیگر هم من این را باورم دارم که رسیدن به یک جایگاه آسان است اما ماندگاری نه. برای خدوم و همسن و سال‌هایم می‌گویم که آن لحظه‌ای که ما فکر کنیم که از بقیه بهتریم، همان لحظه‌ای است که سقوط می‌کنیم. ما برای مردم کار می‌کنیم و این مخاطب ماست که تصمیم می‌گیرد که ما در دنبال کند یا نگاه و توجهش را از ما دریغ کند. پس بهتر است که با تمرکز و برای حفظ رضایت مردم کار کنیم.

حیایی در پاسخ به اینکه چقدر فیلم و سریال‌های ایرانی را دنبال می‌کند؟ می‌گوید: همه فیلم و سریال‌های پدرم را دیده‌ام و از بین سریال‌هایی که اخیراً پخش شده، فصل اول «زخم کاری» را از همه بیشتر دوست داشتم.



به گزارش خبرآنلاین، رئیس مرکز تحقیقات صداوسیما اعلام کرده که دیگر نمی‌توان حرفی از ۸۰ درصد و ۹۰ درصد مخاطب به میان آورد. همه ما می‌دانیم که بودجه صداوسیما ۲۴ هزار میلیارد تومان است، این بودجه در سال ۱۴۰۲ رقمی حدود ۷ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان بود و در یک بررسی جامع متوجه می‌شویم که در ده سال گذشته بودجه صداوسیما از ۹۶۷ میلیارد تومان به ۲۴ هزار میلیارد تومان افزایش پیدا کرده است یعنی رقمی حدود ۲ هزار و ۳۸۰ درصد افزایش و آن هم برای ۲۴ درصد مخاطب طبق گفته جلیلی و کاهش مرجعیت رسانه‌ای طبق نظرسنجی ایسپا.

اما پرسش اصلی اینجاست که چرا نمی‌توان انتظار چنین درصد بیننده‌ای را داشت؟ در جواب احتمالاً با این ماجرا مواجه می‌شویم که به هر حال در این میان پای شبکه نمایش‌خانگی و فضای مجازی هم به میان آمده و یک درصدی از مخاطب را به خودش اختصاص داده است؛ اما چرا صداوسیما حتی پیمان جلیلی در شب پلدا و شب نوروز روی هم رفته ۱۶۷ میلیون مخاطب و برای برنامه‌ها خود داشته و از طرفی هم جلیلی اعلام کرده برنامه‌های نوروزی ۸ درصد افزایش مخاطب داشته است و این در شرایطی است که آماری از مخاطبان تلویزیون پیش از سال نو منتشر شد که نشان می‌داد درصد مخاطبان تلویزیون بین ۲ تا ۲۲ درصد است.

از طرفی محسن شاکری‌نژاد رئیس مرکز تحقیقات صداوسیما با اشاره به اینکه تقریباً ۸۰ درصد کودکان برنامه‌های صداوسیما را دنبال می‌کنند، گفت: «در این دوره دیگر نمی‌توان حرفی از ۸۰ درصد و ۹۰ درصد مخاطب به میان آورد. این دوره در تمام دنیا تمام شده است. چرا که مخاطبان دیگر محتوای تلویزیونی خود فیلم، سریال و برنامه را منحصراً از قالب نمایشگر تلویزیون دنبال نمی‌کنند و اصطلاحاً از برودکست به سمت پرودند رفت‌اند. به مراتب پرودند گوی سبقت را از برودکست گرفته و به این جهت دوره سریال خیابان‌خلوت‌کن تمام شده است. ما در آخرین نظرسنجی که الان داریم تقریباً ۸۰ درصد کودکان ما برنامه‌های صداوسیما را تماشا می‌کنند که فقط منحصر به شبکه کودک نیست و می‌تواند در شبکه امید و شبکه‌های دیگر باشد.»

۷۰ درصد محتوای تولیدی تلویزیون را

می‌بیند

وی افزود: «این میزان در مورد بزرگسالان کمتر است. تقریباً ۷۰ درصد مردم محتوای تولیدی تلویزیون را می‌بینند. حال بخشی در قالب تلویزیون و بخشی دیگر در تلویبون، شبکه سپهر و دیگر شبکه‌های اجتماعی و مجازی؛ اما در عین حال مصرف خیر مخاطبین بالاتر از محتوای تولیدی‌مان است. اگر نگاهی به شبکه‌های پرودند داشته باشیم شبکه سه، شبکه آی‌فیلم و شبکه خبر جزو پرمخاطب‌های ما هستند.»

رئیس مرکز تحقیقات صداوسیما در پاسخ به این سؤال که چقدر بازگشت چهره‌ها در افزایش تعداد مخاطبان تأثیر داشته است، گفت: «از حق نگذریم

چرا با ۲۴ هزار میلیارد تومان دوره ۸۰ درصد مخاطب به پایان رسیده؟

ادامهٔ تعارض‌ها در صداوسیما

رئیس مرکز تحقیقات صداوسیما به تازگی اعلام کرده که دیگر نمی‌توان حرفی از ۸۰ درصد و ۹۰ درصد مخاطب به میان آورد این در شرایطی است که این سازمان تمام امکانات را در اختیار دارد، اما چرا نمی‌توان چنین توقعی از تلویزیون داشت؟



در این دوره

درگیری نمی‌توان

حرفی از ۸۰

درصد و ۹۰

درصد مخاطب

به میان آورد.

این دوره در

تمام دنیا تمام

شده است

البته با وجود این پرسش که مردم چه دوست دارند هم صداوسیما نتوانست مخاطبان زیادی را با خود همراه کند. چرا که یکی از پر بیننده‌ترین و پر بازیگرترین سریال‌های تلویزیون «زیرخاکی» بود که نه تنها ۷۰ درصد دنبال کننده نداشت، بلکه تنها ۲۶ درصد مخاطب داشت و نه تنها مخاطب بالایی نداشت بلکه نسبت به سه فصل قبلی خود نیز با ریزش مخاطب مواجه بود. بقیه برنامه‌ها هم چنین وضعیت دارد و هیچ محتوایی تا کنون ارائه نشده که مخاطبانش ۷۰ درصد باشد.

اگر صداوسیما مخاطب ندارد چرا باید بودجه ۲۴ هزار میلیاردی صرف آن شود؟

با تمام این توضیحات و در اختیار داشتن بیش از سه هزار پرسنل در صداوسیما و داشتن بودجه ۲۴ هزار میلیارد تومانی پرسش اصلی این است که چرا دوره مخاطب ۸۰ درصدی به پایان رسیده؟ و اگر به پایان رسیده چرا بودجه ۲۴ هزار میلیارد تومانی به چنین سازمانی تخصیص داده شده است؟

عباس راقی کارگردان و فیلمنامه نویس در پاسخ به این پرسش می‌گوید: «این ماجرا مصداق بارز تناقض است. اگر که دوران داشن این میزان از مخاطب به پایان رسیده است، چرا باید بودجه ۲۴ هزار میلیارد تومانی برای آن هزینه شود؟ فکر می‌کنم که باید در این زمینه تجدید نظر کنند و بگویند اگر تلویزیون می‌گفتند یک دانشگاه است و قرار است فرهنگ‌سازی انجام دهد، اگر

عاشق کارگردان و فیلمنامه نویس در پاسخ به این پرسش می‌گوید: «این ماجرا مصداق بارز تناقض است. اگر که دوران داشن این میزان از مخاطب به پایان رسیده است، چرا باید بودجه ۲۴ هزار میلیارد تومانی برای آن هزینه شود؟ فکر می‌کنم که باید در این زمینه تجدید نظر کنند و بگویند اگر تلویزیون می‌گفتند یک دانشگاه است و قرار است فرهنگ‌سازی انجام دهد، اگر

گرفته است. او ادامه داد: البته مسیری که نوازندگان جوان در موسیقی دنبال می‌کنند، به نوع موسیقی که گوش می‌کنند نیز ربط دارد. نسل کنونی ما چندان موسیقی خوب گوش نمی‌دهد و بسیاری از آنها دچار یک توهم کاذب هستند؛ به گونه‌ای که نوازنده با سابقه یک ساله انتظار دارد همانند نوازنده‌ای با ۳۰ سال سابقه ساز بنوازد. در صورتی که چنین چیزی ممکن نیست و یک نوازنده باید سال‌ها کار هنرمندان مختلف را گوش و بررسی کند، ساز بزند و تمرین کند تا به اهداف فراموش برسد. یک شبه نمی‌شود ره صد ساله را رفت.

محدودیت حضور زنان در موسیقی شهرستان‌ها

از این هنرمند که خود اهل جنوب است، درباره میزان محدودیت حضور زنان در عرصه موسیقی به خصوص در مناطق جنوبی کشور و شهرهای کوچک سوال کردیم و او گفت: محدودیت حضور زنان در موسیقی شهرهای کوچک به فرهنگ این مناطق برمی‌گردد. در برخی شهرستان‌ها چنین متناقضی وجود دارد و از طرف خانواده و البته فضای کاری محدودیت و تعصب متوجه زنان است که باعث می‌شود خانها کمتر سمت ساز زن برونند، به خصوص در شهرهای کوچک که می‌گویند «دختر نباید ساز بزند و سمت ساز برد.»

این هنرمند تصریح کرد: حال آن دخترچه‌ای که در یک شهر کوچک بزرگ می‌شود، شاید عاشق ساز باشد ولی خانواده‌اش از ترس حرف مردم اجازه ساز زدن را به او ندهند. این مشکلات همیشه در شهرهای کوچک هست اما در شهرهای بزرگ مردم خیلی یکدیگر را نمی‌شناسند و محدودیت‌ها کمتر است؛ بعضاً خانواده‌ها می‌گویند که دوست دارند دخترشان هنرمند باشد و حرف فامیل یا همسایه برایشان مهم نیست. البته در نسل‌های جدید، کمتر این حرف و حدیث‌ها مهم است و دختران زیادی به کلاس‌های آموزشگاه خود من می‌آیند.

زوال عقل با نویسنده محبوب چه کرد؟

این متخصص مغز و اعصاب و همکاریاش این تحلیل را در ژورنال «Brain» در سال ۲۰۰۵ منتشر کردند. آنها ارتباط واژگانی واضح را در کتاب آخر او بدون تأثیر آشکار بر ویژگی‌های دستوری متن مشاهده کردند. به عبارت دیگر، مرداک از کلمات کمتری استفاده می‌کرد و آنها را بیشتر تکرار می‌کرد، در حالی که دستور زبان او به ندرت دستخوش تغییر شده بود.

اما طول جملات به طور چشمگیری تغییر کرده بود. در پاراگراف آغازین رمان «دریا، دریا»، میانگین طول جمله ۱۵.۶ کلمه بود، در حالی که در آخرین کتاب او به ۸.۶ کلمه کاهش یافته بود. کتاب دوم، در اواسط کار، طولانی‌تر از کتاب اول و با تنوع کلمات بیشتر و افراد بیشتر بود، احتمالاً با افزایش اعتماد به نفس مرداک به عنوان یک نویسنده. کتاب پایانی کلمات شدید طول و تنوع کلمات را نشان داد و گفت‌وگویی بیشتری داشت و شامل روایت کمتری نسبت به کتاب‌های قبلی بود.

به گفته «کتایا راسکوفسکی» عصب‌روانشاس از دانشگاه پنسیلوانیا، که ۲۰ صفحه اول معروف‌ترین کتاب نویسنده یعنی «صد سال تنهایی» را با ۲۰ صفحه اول رمان «تا آگوست» مقایسه کرده، سبک نوشتاری گارسیا مارکز نیز تغییر کرده است.

او درباره کتاب اول می‌گوید: «آخرین رمان مارکز ساده‌تر است: جملات کوتاه‌تر است و کلمات پیچیده‌تر کمتر و تکرار کلمات بیشتر است.»

این عصب‌روانشاس همچنین می‌افزاید: «از همان ابتدا، یک تفاوت وجود

فرهنگ و هنر

اخبار

کشف خیره‌کننده در ویرانه‌های شهر باستانی



باستان‌شناسان با کاوش در ویرانه‌های شهر باستانی «بمپئی» مجموعه‌ای از نقاشی‌های دیواری خیره‌کننده را کشف کردند.

به گزارش ایسنا، یک اتاق ضیافت مملو از نقاشی‌های دیواری سالم که شخصیت‌های الهام‌گرفته از جنگ «تروا» را به تصویر می‌کشد، در میان ویرانه‌های بمپئی کشف شده است و باستان‌شناسان آن را به عنوان یکی از شگفت‌انگیزترین اکتشافاتی توصیف کرده‌اند که تاکنون در این محوطه باستان‌شناسی در جنوب ایتالیا به نتیجه رسیده است.

«ان‌بی‌سی» نوشت این اتاق به دلیل رنگ دیوارهای آن به نام «اتاق سیاه» شناخته می‌شود و دیوارهای آن از نقاشی‌هایی تزئین شده است که اساطیر یونانی را به تصویر می‌کشد. از جمله این نقاشی‌ها به صحنه‌ای از نخستین ملاقات «هلن» با «پاریس» شاهزاده «تروا» می‌توان اشاره کرد. بر اساس افسانه یونانی، فرار این زوج باعث جنگ تروا در سده ۱۲ پیش از میلاد شد.

در یکی دیگر از نقاشی‌های این اتاق ضیافت «آپولون»، یکی از ایزدان یونان باستان در کنار «کاساندر» یکی از شخصیت‌های اسطوره‌ای یونان باستان به تصویر کشیده شده است.

برای سیاستمداران تروتمند و صاحبان مشاغل، یک نقاشی کلاسیک حرفه‌ای که در آن حیوانات نیز به تصویر کشیده شده‌اند یک موضوع مهم و مورد توجه در هنگام پذیرایی از مهمانان بود.

«بمپئی» و «هرکولانیوم» که در نزدیکی آن واقع شده بود، تفرجگاه‌های ساحلی مورد علاقه رومی‌های تروتمند بودند که بر اثر فوران آتش‌شسانی در سال ۷۹ میلادی ویران شدند.

این اتاق ضیافت که طول آن به ۱۵ متر و عرض آن به ۶ متر می‌رسد، در جریان کاوش در منطقه «رچیو IX» این محوطه باستانی کشف شده است که پیش‌تر بررسی نشده‌بود. نقاشی‌های دیواری که در این اتاق کشف شده‌اند به اندازه‌ای در وضعیت خوبی قرار دارند که برخی حدس می‌زنند ممکن است نقاشی‌ها درست قبل از فوران آتش‌فشان نقاشی شده باشند. این کشف اخیر نشان می‌دهد هنوز بخش قابل‌توجهی از «بمپئی» مدفون است. باستان‌شناسان هنوز بیش از یک‌سوم «بمپئی» را کاوش نکرده‌اند.

«دَه‌هزار جهان» در باغ مجسمه موزه هنر های معاصر چیده می‌شود



چیدمان «دَه‌هزار جهان» امروز در باغ مجسمه موزه هنرهای معاصر تهران افتتاح خواهد شد.

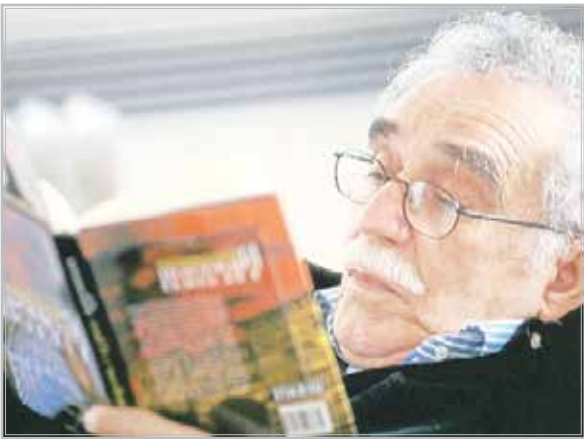
به گزارش ایسنا، موزه هنرهای معاصر تهران چیدمان «دَه‌هزار جهان» را روز شنبه (۲۵ فروردین‌ماه) در باغ مجسمه افتتاح کرد.

«دَه‌هزار جهان»، از ۱۰ هزار مجسمه کودک و ۱۰ هزار نقاشی کوچک شکل گرفته که از سوی حسین و ابونر ونکی اجرا و چیدمان شده است.

این چیدمان قرار بود در سالی که گذشت هم، در محوطه باغ فردوس نیز برگزار شود.

حسین ونکی در گفت‌وگویی در این زمینه اظهار کرده بود: «هر کدام از مجسمه‌های کودکانی که در این چیدمان به کار رفته یک جهان زنده‌اند، با اینوی از سوال‌های می‌پاسخ و منتظر و همچنین در این چیدمان نقاشی‌های کوچکی را می‌بینیم که برای یادبود این قربانیان تصویر شده است. ما در این روزها با تمام تلاش شبانه‌روزی توانستیم به اندازه‌ای که اسراییل کودک می‌کشد، مجسمه و تصویر آن‌ها را بسازیم.»

به گفته این هنرمند اصل نگاه این اجرا و چیدمان نگاهی به موضوع کودک کشی است و رنگ سپید آن نمودی از صلح و آرامش است. «هرکدام از مجسمه‌های کودکانی که در این چیدمان به کار رفته یک جهان زنده‌اند، با اینوهی از سوال‌های می‌پاسخ و منتظر و همچنین در این چیدمان نقاشی‌های کوچکی را می‌بینیم که برای یادبود این قربانیان تصویر شده است.»



دارد. در جمله آغازین «صد سال تنهایی» که از زبان اصلی آن یعنی اسپانیولی ترجمه شده، آمده است: «سرهنگ آتورلانو بوئندیا، سال‌ها بعد، وقتی با جوخه تیراندازی روبه‌رو شد، آن بعدازظهر دور را به یاد آورد که پدرش او را برای پیدا کردن یخ با خود برد.» در مقابل، جمله افتتاحیه رمان «تا آگوست» این است: «او جمعه ۱۶ آگوست با کشتی ساعت سه به جزیره بازگشت.»

انتشار رمان «تا آگوست» نوشته «گابریل گارسیا مارکز» نویسنده بزرگ برنده نوبل ادبیات، انعکاسی از تأثیرات زوال عقل بر یک ذهن خلاق است.

به گزارش ایسنا، پسران گابریل گارسیا مارکز، نویسنده کلمبیایی برنده جایزه نوبل ادبیات، رمان «تا آگوست»، پس از مرگ این نویسنده و بر خلاف خواسته پدرشان در سال ۲۰۱۴ در حالی منتشر کردند که این نویسنده تحت تأثیر درگیری با بیماری زوال عقل بیشتر زمان خود را صرف نگارش این کتاب کرده بود و همچنین تحت تأثیر نقدهای منفی به کتاب آخرین دوست نداشت کتاب جدیدی از او منتشر شود.

رمان «تا آگوست» داستان زنی را روایت می‌کند که سالی یک بار بر سر مزار مادرش می‌رود و در هر دیدار معشوقه جدیدی می‌یابد. این رمان با نقدهای متفاوتی روبه‌رو شده که برخی از آنها کاملاً بی‌رحمانه است. «مایکل گرینبرگ» در نیویورک تایمز درباره این کتاب نوشت: «تصور یک خداحافظی ناخوشایندتر از این شاعر است. به نظر می‌رسد که افول گارسیا مارکز به اندازه‌ای شدید بوده که مانع از آن شده که جهان خیالی را که نوشتن داستان می‌طلبد، کنار هم نگه دارد.»

انتشار این رمان پرسش‌های اساسی در مورد زندگی با سالخورگی و ذهنی بیمار را مطرح می‌کند. اختلال شناختی خفیف و زوال عقل با خلایق ما چه می‌کنند؟ این شرایط چگونه بر توانایی ما در استفاده از کلمات، ترکیب‌بندی جملات و ساختن داستان تأثیر می‌گذارد؟